

Pearl mining and trade in the east of Islamic world until the end of the 9th century AH

Neda Pourmahmud¹, and Ali Ghofrani²

1. PhD student in History and Civilization of Islamic Nations, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. E-mail: Neda.purmahmud@gmail.com
2. Associate Professor, Department of Iranology, Faculty of Humanities, Bu-Ali-Sina University, Hamedan, Iran. E-mail: a.ghofrani@basu.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	Pearl has always been a sought-after commodity in Islamic and non-Islamic lands, due to their high price and their continuous use among the ruling and wealthy classes. Its production and trade flourished both as an economic activity and as a appearance of Muslim civilization, generating great profits for Muslim fishermen and merchants. The ports and islands of the Persian Gulf and the Arabian Peninsula were considered the most important centers of pearl mining and trade from the third and fourth centuries AH until after the Mongol invasion. In addition to buying and selling pearl domestically, merchants in these ports exported them to non-Islamic lands, especially regions such as India, China, and Africa, via sea and land trade routes. These merchants also played a significant role as intermediaries in the sale of pearls imported from outside the Islamic world to Islamic ports. In this research, we aim to collect information such as types of pearls, origins, destinations and trade routes, medicinal importance, and therapeutic and industrial applications of pearls, using a descriptive-analytical method and using historical, geographical, medical, literary, and poetic texts of Muslims up to the ninth century AH. We answer these questions: 1- From which areas were the best types of pearls caught and extracted? 2- What place did pearls have in the economy, trade, and social life of Muslims? 3- What were the uses and motivations for buying and selling pearls? The research findings indicate that pearl, in addition to having ornamental value and therapeutic applications, have high economic value and, according to the diversity of pearl and the wide range of mining centers, have had high export value and commercial importance. It is worth noting that the discussion of pearl production and trade has been examined not only in the eastern lands of the Islamic world, but also in the ports of lands such as China and India, with which Muslims had extensive trade relations.
Article history: Received 2022-10-31 Received in revised form 2022-12-15 Accepted 2023-01-07 Available online 25 March 2025	
Keywords: Imam Hosein(AS), Ashura, Imam Hosein's family, theory of government formation, theory of pure martyrdom, theory of religious revival.	

Cite this article: Pourmahmud, N., & Ali, G. (2025). Pearl mining and trade in the east of Islamic world until the end of the 9th century AH. *Discourse of History*, 19 (51), 7-28.
<https://doi.org/10.22034/skh.2025.21432.1638>

استخراج و تجارت مروارید در شرق جهان اسلام تا پایان سده نهم هجری قمری

ندا پور محمود^۱ و علی غفرانی^۲

۱. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

رایانامه: Neda.purmahmud@gmail.com

۲. نویسنده مسئول دانشیار گروه ایران شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

رایانامه: a.ghofrani@basu.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵

کلیدواژه‌ها:

مروارید،

تجارت،

خلیج فارس،

شرق جهان اسلام

مروارید به سبب بهای فراوان و همچنین کاربرد مداوم آن در میان قشر حاکم و ثروتمند، همواره یکی از کالاهای مورد تقاضا در سرزمین‌های اسلامی و غیراسلامی بود و تولید و تجارت آن، هم به عنوان یک فعالیت اقتصادی و هم به عنوان جلوه‌ای از تمدن مسلمانان رونق داشت و سود زیادی عاید صیادان و بازرگانان مسلمان می‌کرد. بنادر و جزایر خلیج فارس و جزیره‌العرب از سده‌های سوم و چهارم هجری تا پس از حمله مغولان، از مهمترین مراکز صید و تجارت مروارید به‌شمار می‌آمد. بازرگانان این بنادر علاوه بر خرید و فروش داخلی مروارید، آن را به سرزمین‌های غیراسلامی به ویژه مناطقی همانند هند، چین، آفریقا از طریق مسیرهای تجاری دریایی و زمینی صادر می‌کردند. همچنین این بازرگانان به عنوان واسطه، نقش فراوانی در فروش مرواریدهایی که از خارج از جهان اسلام به بنادر اسلامی وارد می‌شد، داشتند. در این پژوهش، بر آنیم تا با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از متون تاریخی، جغرافیایی، پزشکی، ادبی و شعری مسلمانان تا قرن نهم هجری، اطلاعاتی مانند انواع مروارید، مبادی و مقاصد و راههای تجارت، اهمیت دارویی و کاربردهای درمانی و صنعتی مروارید، را جمع‌آوری کرده و به این سوال‌ها پاسخ دهیم که ۱- بهترین انواع مروارید از چه مناطقی صید و استخراج می‌شد؟ ۲- مروارید چه جایگاهی در اقتصاد و تجارت و زندگی اجتماعی مسلمانان داشته است؟ ۳- کاربردها و انگیزه‌های خرید و فروش مروارید چه بود؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مروارید، ضمن داشتن ارزش زینتی و کاربرد درمانی، ارزش اقتصادی بالایی داشته و با توجه به تنوع مروارید و گستردگی مراکز صید، از ارزش صادراتی و اهمیت تجاری بالایی برخوردار بوده است. شایان ذکر است بحث تولید و تجارت مروارید علاوه بر سرزمین‌های شرق جهان اسلام، در بنادر سرزمین‌هایی همانند چین و هند که مسلمانان با آنها روابط تجاری گسترده‌ای داشته‌اند، نیز بررسی شده است.

استناد: پورمحمود، ندا و غفرانی، علی (۱۴۰۴). استخراج و تجارت مروارید در شرق جهان اسلام تا پایان سده نهم هجری قمری. سخن

تاریخ، ۱۹ (۵۱)، ۲۸-۷. <https://doi.org/10.22034/skh.2025.21432.1638>



© نویسندگان.

ناشر: جامعه المصطفی (ص) العالمیه.

مقدمه

مروارید که در زمره جواهر و سنگ‌های گرانبها قرار دارد، از قدیم مورد توجه انسانها بوده و با در نظر گرفتن عواملی چون زیبایی، میزان در دسترس بودن و ... در بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی همچون اقتصاد، هنر، دین، فرهنگ، علوم و ... سهم و کاربرد داشته است. با در نظر گرفتن این عوامل بود که توجه مردم به استخراج و تجارت آن جلب می‌گردید. تجارت و اقتصاد از عوامل موثر در تحولات تمدنی به شمار می‌رود. زیورآلات و کالاهای تجملی در انواع مختلف خود، از لوازم جدایی‌ناپذیر جوامع متمدن است. در جهان اسلام نیز تجارت علاوه بر یک فعالیت اقتصادی، میدانی برای مبادلات فرهنگی و تمدنی فراهم می‌کرد و تاجران مسلمان، از غرب تا شرق آسیا از راه‌های دریایی و زمینی به مناطق مختلف دنیای مسکون سفر و علاوه بر جابجایی کالاهای ضروری، کالاهای زینتی را نیز مبادله می‌کردند. مروارید به عنوان یک کالای تجملی در بخشهای وسیعی از شهرهای ساحلی دنیای اسلام استخراج و مبادله می‌شد و به شکلهای مختلف مورد استفاده علاقه‌مندان قرار می‌گرفت. از این رو، نوشتن مقاله‌ای در باره تاریخ استخراج و تجارت مروارید و ابعاد اقتصادی آن در شرق جهان اسلام به عنوان پرجمعیت‌ترین بخش دنیای اسلام و پر رونق‌ترین در حوزه تجارت و تمدن و فرهنگ، ضرورت دارد.

در میان بازرگانان مسلمان، تاجران ایرانی و عرب به خصوص در مناطق بندری همانند بنادر خلیج فارس، عمان، عدن و بحرین، نقش اصلی را در واسطه‌گری و تجارت مروارید در میان سرزمین‌های اسلامی و اروپایی در دست داشتند.

به نظر می‌رسد تاجران یهودی در زمینه تجارت و حمل و نقل سنگ‌ها، فقط در بازارهای داخلی بلاد اسلام فعال بودند. بازرگانان شرق آفریقا همانند تجار جزیره موگادیشو، جزیره زنگبار و حبشه بیشتر در زمینه صدور سنگ‌های گرانبها به ویژه مروارید و کهربا به سرزمین‌های شرق اسلامی فعالیت داشتند (بحرانی پور، ۱۳۸۹، ۴۴).

در شهرهای اسلامی، به صاحبان برخی مشاغل و صنایع که به طور مستقیم با سنگ‌ها ارتباط داشتند، القابی مخصوص تعلق می‌گرفت چنانکه به افرادی که در کار فروش مروارید بودند، لَآل، لَآلِی و لَوْلُوی گفته می‌شد. (سمعانی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۱۳۷)

پیشینه تحقیق

در ارتباط با سنگ‌ها از قدیم تا به امروز، کتاب‌های متعددی نوشته شده است. پژوهش‌های جدید درباره سنگ‌ها، بیشتر ناظر به خواص فیزیکی و شیمیایی آنهاست و در این آثار گاه به جغرافیای معادن و نحوه استخراج، باورهای عامیانه و کاربردهای سنگ‌ها به صورت مختصر

اشاره شده، اما درباره تجارت آنها پژوهش جدی صورت نگرفته است. آثاری که در ادامه معرفی شده‌اند، به صورت عام و کلی به تاریخ سنگ‌ها (گرانپها و کمتر گرانپها) پرداخته‌اند: ۱. الاحجار الکریمه: نوشته جمیل عقیل، جمیل احمد ۲. الشفاء بالاحجار الکریمه: اضاء هادی. این دو کتاب به زبان عربی و در یک مجلد به چاپ رسیده است. کتاب اول یعنی الاحجار الکریمه به تقسیم‌بندی انواع سنگ‌های گرانپها و سایر مواد معدنی اختصاص دارد و به نکاتی همچون منع یا استحباب تختّم بر روی سنگ‌های قیمتی در آموزه‌های اسلامی اشاره کرده است. همچنین در بخش پایانی کتاب، فهرستی از احجار و مواد معدنی ارائه شده که برای هریک توضیحات مختصری در حدود یک یا دو پاراگراف، شامل جایگاه معدن، خواص فیزیکی و شیمیایی و همچنین خواص درمانی داده شده است. کتاب دوم با عنوان الشفاء بالاحجار الکریمه، با بهره‌گیری از روایات و اطلاعاتی از دانش روز، به طور مختصر به اثر شفابخشی برخی احجار کریمه پرداخته است. پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان فرهنگ سنگ‌های قیمتی (احجار کریمه) و کانی‌ها در نظم فارسی تا اواخر قرن ششم هجری قمری، نازیلا فرمانی انوشه، دانشگاه امام خمینی قزوین، رشته ادبیات فارسی، ۱۳۸۸ش که بر مبنای متون منظوم فارسی نوشته شده و به منابع تاریخی، مراجعه جدی نداشته است. مقاله "کلیاتی درباره سنگهای قیمتی و زینتی"، فیاض، ه، رشد آموزش زمین‌شناسی، تابستان ۱۳۶۶ش، ش ۹، ص ۴۱-۴۶، که در حوزه زمین‌شناسی نگاشته شده و به صورت جزئی به اعتقادات رایج در میان مردم گذشته درباره سنگ‌های قیمتی و نیز ویژگی‌های کلی سنگ‌ها که موجب قیمتی بودن آنها می‌شود، می‌پردازد و همچنین به انواع تراش سنگ‌ها در حدود دو صفحه اشاره کرده است. مقاله "کلیاتی پیرامون سنگهای گرانپها"، قربانی، منصور، رشد آموزش زمین‌شناسی، ۱۳۸۲ش، ش ۳۴، ص ۲۲-۲۵، سنگ‌های قیمتی را در حوزه علم زمین‌شناسی و فعل و انفعالات شیمیایی منجر به پدیدآمدن سنگ‌ها، مورد بررسی قرار داده است. چنانکه به صورت کلی به تعریف سنگ‌های قیمتی می‌پردازد. همچنین در خلال این مطالب، شرح مختصری از اعتقادات مردم درباره سنگ‌های قیمتی و خواص این سنگ‌ها را آورده است.

دو مقاله در باب تجارت مروارید با نام‌های "تجارت مروارید در سواحل شمالی خلیج فارس دوران قاجار"، قیّم، بهادر، طبیبه سهرابی، صفیه ساکی‌مفرد، جندی‌شاپور، ۱۳۹۵ش، ش ۵، ص ۹۲-۱۰۳ و مقاله "صید و تجارت مروارید در خلیج فارس در قرن نوزدهم میلادی"، مستوفی، فرخ، بررسی‌های نوین تاریخی، ۱۳۸۷ش، ش ۵۴، ص ۶-۲۶ به رشته تحریر درآمده که دوره تاریخی مورد بررسی در آن‌ها از محدوده زمانی بررسی شده در نوشتار حاضر خارج است.

یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «تجارت سنگها در شرق جهان اسلام تا پایان سده نهم هجری قمری» در حدود ۱۹۰ صفحه، در زمستان سال ۱۳۹۵ در دانشگاه فردوسی مشهد

توسط ندا پورمحمود و با راهنمایی دکتر علی غفرانی نوشته و دفاع شده است که موضوع آن، بررسی تاریخی استخراج و تجارت انواع سنگ‌ها در شرق جهان اسلام به ویژه سنگ‌های تزئینی و جواهر و سنگ‌هایی که در درمان بیماری‌ها کاربرد داشته اند، می باشد.

۱. مروارید و انواع آن

مُروارید (دُر، دُریتیم، لولو، جُمان، pearl)، گوهری مستحکم، به شکل کروی و از دسته گوهرهای آلی است که در نتیجه تجزیه اجساد موجودات زنده تشکیل می‌شود. این گوهر در میان یک نوع حیوان دریایی نرم تن به نام صدف که دارای دو قطعه غشاء آهکی محکم است، تشکیل می‌یابد. (ذکاء، ۱۳۴۶، ۹۲) در گذشته علاوه بر اعتقاد به شکل‌گیری علمی مروارید، در میان نویسندگان پیشین بر مبنای برخی باورها، افراد عقیده داشتند که این گوهر از ریزش آب باران بر دریا به وجود می‌آید. (سیرافی، ۱۳۳۵: ۱۶۳؛ بیرونی، ۱۳۷۴، ۱۹۳)

مروارید از حیث کوچکی و بزرگی دانه‌ها، رنگ و شکل تقسیم‌بندی می‌گردد. برای تشخیص بزرگی و کوچکی مروارید، افراد دانه‌های مروارید را از غربال‌های متعددی عبور می‌دادند. (طوسی، ۱۳۶۳ ق، ۹۵-۹۷) مرواریدهای درشت و دانه بزرگ، اغلب دُر نامیده می‌شد و مرواریدهای دانه کوچک و ریز، به مرجان موسوم بود. (بیرونی، ۱۳۷۴، ۱۸۹) از آنجا که سوراخ کردن مرواریدهای ریز مقدور نبود، مردم آن‌ها را در مصارف دارویی به کار می‌بردند. مروارید، در رنگ‌های سفید نقره‌ای، سفید متمایل به آبی، زرد، قرمز و سیاه وجود داشت. به مرواریدهای سفید رنگ نام‌های خوشاب، نجم، شیرفام، عیون، خُشکاب، به مروارید سفید متمایل به آبی آسمان‌گون و به مروارید سفید متمایل به سیاهی، رصاصی و زیتی اطلاق می‌شد. مرواریدهای زرد رنگ، با نام‌های تینیا یا تینی، کاهی، شمعی و طاووسی خوانده می‌شد. مروارید قرمز رنگ به وُردی موسوم بود و همچنین مرواریدهای سیاه رنگ، رُمادی نامیده می‌شد. (طوسی، ۱۳۶۳ ق، ۹۰-۹۱؛ کاشانی، ۱۳۴۵، ۹۳) مروارید به لحاظ شکل، به شش دسته کروی، استوانه‌ای، مخروطی، عدسی، بیضوی و بی‌قاعده تقسیم می‌گشت. به مرواریدهای کروی اسامی مُدَحَرَج، غلطان، نجم و عیون اطلاق می‌شد و معمولاً بهترین مرواریدها از این دسته بود. مرواریدهای استوانه‌ای شامل انواع عنبی، پشکی، دُهلای، دُفی، فُلکی و نردی و مرواریدهای مخروطی شکل شامل انواع شلغمی، فوفلی، غلامی، شمعی و لوزی می‌گشت. مرواریدهای به شکل عدس، شعیری نامیده می‌شد. مرواریدهای بیضوی شکل، در وسط خود دارای فرورفتگی بود و به دو دسته خیزرانی و سکیلی تقسیم می‌گشت. برخی مرواریدها شکل معینی نداشت و قدما آن‌ها را مُضَرَس می‌نامیدند. (بیرونی، ۱۳۷۴، ۲۱۰-۲۱۴)

۲- مبادی، مقاصد و راه‌های تجارت مروارید

۲-۱. چین

چین از دوران پیش از اسلام از طریق راههای دریایی که از سرزمین چین به ساحل غربی هند و از آنجا به بنادر جنوبی جزیره العرب از جمله عمان و در نهایت به دریای سرخ امتداد می‌یافت و از دریای سرخ به مصر، سواحل آفریقا و پس از آن به اروپا منتهی می‌گردید (ندوی، ۱۳۶۶، ۴۹) و راه خشکی موسوم به راه ابریشم که از شمال چین آغاز می‌شد و قاره آسیا و اروپا را از طریق چین تا ایران و از آنجا تا مدیترانه به هم متصل می‌کرد (احمدوند، ۱۳۸۸، ۶)، با بلاد غربی آسیا و مناطق شرق آفریقا روابط تجاری داشت. این تجارت در اواخر قرن سوم هجری/نهم م، به علت شورش‌های سال ۸۷۸/۵۲۶۵م در بندر خانفو واقع در شمال شرقی چین، که سبب کشته شدن تعداد زیادی از تاجران و جهانگردان مسلمان و غیرمسلمان گردید (قرچانلو، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۰۵)، کاهش یافته بود. با این حال، مبادلات تجاری بین بلاد مذکور و چین برای گسترش تجارت در قرون بعد همچنان ادامه پیدا کرد.

در شهرهای چین، سنگ‌های فراوانی یافت می‌شد. علاوه بر سنگ‌های معادن بومی چین، بیشتر سنگ‌های مورد استفاده در این سرزمین، از طریق واردات به دست می‌آمد. چنانکه سهم عمده تجارت چین با قلمرو اسلام اغلب در زمینه خرید و فروش جواهرات، اسب و پارچه بود. (کراچکوفسکی، ۱۳۷۹، ۴۲۲) بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که تجارت سنگ‌های گرانبها به ویژه مروارید برای چینیان بسیار سودآور و مهم بود و آنان تجارت این کالا را عمدتاً با مناطقی همانند جزایر خلیج فارس در ایران، عربستان، هند، دریای سرخ، شام و کشورهای آفریقایی انجام می‌دادند.

از جزایر خلیج فارس گوهرهایی چون مروارید، یاقوت و الماس وارد چین می‌شد. (خلیفه، ۱۳۷۸، ۶) رابطه تجاری میان چین و جزایر خلیج فارس در دوران ایلخانان توسعه فراوان یافت و پیوندهای مغولان با سرزمین چین این فرایند را تشدید می‌کرد. (چمنکار، ۱۳۸۴، ۱۶-۱۷)

بازرگانان ایرانی در سفرهای تجاری خود به سمت چین، برخی سنگ‌های خاص چین را، به ایران می‌آوردند. چنانکه در طی قرون چهارم تا هشتم قمری/دهم تا چهاردهم میلادی، بازرگانان خراسان سنگ‌های قیمتی از چین خریداری می‌کردند. (باسورث، ۱۳۸۵، ۱۵۰) تجار ایرانی بندر سیراف نیز، برخی سنگ‌های قیمتی چین را وارد می‌کردند. (خطایی، ۱۳۷۲، ۴۶۶) همچنین در دوره تیموریان (قرن نهم هجری)، مروارید از جزایر خلیج فارس و برخی سنگ‌های قیمتی از چین به شهر سلطانیه که یکی از پایتخت‌های تیموریان بود، می‌رسید. (گابریل، ۱۳۴۸، ۷۰)

کشتیهای چینی، از طریق راه‌های آبی رودخانه دجله و بندر بصره، گاه تا بغداد پیش می‌رفتند و کالاهای بازرگانی از جمله مروارید و الماس را از آن مناطق خریداری می‌کردند و در بازگشت، این سنگ‌های قیمتی، به همراه کالاهایی همچون عطریات را به هند و شرق آسیا منتقل کرده، می‌فروختند. (چمنکار، ۱۳۸۴، ۱۶-۱۷)

لازم به ذکر است که میزان سنگ‌های قیمتی که از بلاد ایران و عربستان به چین صادر می‌شد، آنقدر زیاد بود که شغل عده‌ای از بازرگانان خارجی مقیم شهرهای چین را، فروش این جواهرات و مرواریدها تشکیل می‌داد. (خلیفه، ۱۳۷۸، ۷) دریای سرخ از دیگر مناطقی بود که سنگ‌های قیمتی‌اش همچون مروارید و مرجان به چین صادر می‌شد. (حیبی، ۱۳۴۵، ۴۸۷)

صرف نظر از واردات رسمی مروارید به چین از مناطق فوق‌الذکر، تجار بیگانه عازم چین، عادت داشتند در آستر لباس یا دسته چتر، مرواریدها را به صورت قاچاق حمل کنند تا عوارض واردات این محصول را نپردازند. (متز، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۸۳)

در قرن نهم ق/پانزدهم م، تاجران چینی نیرومندترین ناوگان دریایی شرق را داشتند که آنها را قادر می‌ساخت تا کنترل سیاسی خود را بر اقیانوس هند حفظ کنند. در همین قرن بود که آنان برای نخستین بار وارد تجارت مستقیم با برخی کشورهای آفریقایی شدند و محصولات مهمی همچون مروارید، مرجان و دیگر سنگ‌های گرانبها را به آن مناطق صادر می‌کردند. (میلز، ۱۳۹۳، ۵۱-۴۹)

۲-۲. هند

هند نیز از طریق راه‌های آبی اقیانوس هند، راه ادویه و راه بخور که از بنادر مهم تجاری هندوستان همانند کولم ملی و سیلان، شروع (رائین، ۱۳۵۰، ۲۲۸) و به بصره و صحار و مسقط در عمان، و جزایر خلیج فارس به ویژه سیراف، کیش و هرمز منتهی می‌شد (سیرافی، ۱۳۸۱: ۵۷)، با غرب آسیا ارتباط تجاری داشت و تاجران هندی تا سرزمین‌های اطراف دریای مدیترانه و دریای سرخ می‌رفتند و معمولاً کالاهای گرانبها همانند مروارید، الماس، لعل و زمرد داد و ستد می‌کردند. (جعفری، ۱۳۸۸، ج ۱۷: ۲۵۸-۲۵۹)

سرزمین وسیع هند از مهم‌ترین مناطقی بود که انواع سنگ به ویژه سنگ‌های قیمتی همانند مروارید از آنجا به دست می‌آمد و محصولاتش به دیگر سرزمین‌های مجاور صادر می‌گردید. (حدود العالم من المشرق الی...، ۱۴۲۳ق، ۸۰)

از مهم‌ترین شهرهای هند که در داشتن مروارید و تجارت آن شهرت داشت، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

جزیره سیلان یا سرانديب واقع در جنوب هند، که از کوه‌ها و رودهای آن، انواع سنگ‌های قیمتی استخراج می‌شد. در میان سنگ‌های مذکور در جزیره سیلان، بیشتر سنگ‌های مروارید، یاقوت، الماس و زمرد مورد توجه بازرگانان خارجی از جمله بازرگانان سرزمین ایران (چمنکار، ۱۳۸۴، ۱۶)، جزیره العرب، چین و آفریقا (المسری، ۱۴۰۲ق، ۲۲۱) قرار داشت.

سنگ‌های گرانبها در جزیره سیلان بسیار زیاد بود تا جایی که میلز به نقل از ماهوان در کتاب خود ذکر کرده که بازرگانان بومی این جزیره برای بدست آوردن کالاهایی همچون مُشک، کافور،

ابریشم، پارچه‌های براق ابریشمی، بشقاب و کاسه‌های سفالی، سنگ‌های قیمتی و مرواریدهای خود را با این اجناس مبادله می‌کردند. (میلز، ۱۳۹۳، ۲۱۵)

بندر کالیکوت یا قالیقوت از بنادر مالابار (تاپار، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۶)، مرکز بازرگانی با بلادی همچون چین، جاوه، ایران و جزیره‌العرب بود (رائین، ۱۳۵۰، ۲۴۲). در این بندر، مروارید و انواع سنگ‌های گرانبها خرید و فروش می‌شد (پولو، ۱۳۶۳، ۲۲۸) و از جزایر خلیج فارس مروارید وارد این بندر می‌گردید. (کاوتس، ۱۳۸۳، ۳۲)

مَعبَر واقع در شرق جزیره کولم، از مراکز صدور مروارید به تمام نقاط دنیا محسوب می‌شد. مرواریدهای این ناحیه درشت و شفاف بود. به روایت مارکوپولو، در این شهر هر ساله شاه اعلام می‌کرد اگر کسی مروارید یا سنگ‌های قیمتی را به دربار وی بیاورد، او تا دو برابر قیمت آن‌ها را خواهد پرداخت. در پی این امر، همیشه بازرگانان و دیگر افراد، اشیای گرانبهای خود را با رغبت به دربار می‌بردند. (پولو، ۱۳۶۳، ۱۹۱-۱۹۳)

در گُجرات واقع در غرب هند (تاپار، ۱۳۸۶، ج ۱: ۳۴۶)، مروارید و انواع سنگ‌های قیمتی خرید و فروش می‌شد. تاجران این شهر، از ترس دزدان دریایی، مروارید و دیگر سنگ‌های قیمتی را می‌بلعیدند، اما راهزنان با خوراندن تمر هندی و آب شور دریا به بازرگانان، باعث استفراغ آنان می‌شدند و مروارید و سنگ‌های گرانبهای موجود در شکم آن‌ها را می‌دزدیدند. (پولو، ۱۳۶۳، ۲۱۲)

بندر توت‌کری در جنوب غربی هند و واقع در مقابل جزیره سیلان، مرکز صید مروارید بود. (ابن‌محمد ابراهیم، ۱۳۵۶، ۱۶۷) جزیره کله واقع در اقیانوس هند (مهلبی، ۲۰۰۶م، ۱۳۸)، مرواریدهای مرغوبی داشت که به بازرگانانی از سرزمین‌های مختلف همانند چین فروخته می‌شد. لازم به ذکر است جواهرات مورد استفاده پادشاهان هندوستان، گردنبندها و گوشواره‌های مزین به انواع سنگ‌های گرانبهای همچون یاقوت، لعل و الماس بود. اما به نظر می‌رسد مروارید نزد آنان اهمیت بیشتری داشت چرا که بیشتر سران لشکری و کشوری از گردنبندهای مزین به مروارید استفاده می‌کردند. (سیرافی، ۱۳۳۵: ۱۶۵)

در هند لنگرگاه‌های ویژه حمل مروارید و سنگ‌های گرانبها وجود داشت (رضا، ۱۳۸۸، ۲۵۲) و بازرگانانی از بلاد مختلف همچون ایران، جزیره‌العرب، مصر، شام خواستار انواع کالا از جمله سنگ‌های قیمتی سرزمین هند بودند. از هندوستان مروارید و انواع سنگ‌های گرانبها به جزیره هرمز (باربارو، ۱۳۴۹، ۹۶)، سیراف (تاج‌بخش، ۱۳۸۱، ۶۴۵) و کیش وارد می‌شد و از این بنادر به شهرهای ایران و سایر بلاد می‌رفت. (پولو، ۱۳۶۳، ۳۰۰)

بازرگانان عرب انواع سنگ‌های قیمتی از جمله مروارید و کالاهای عطری را از هند خریداری می‌کردند. (ندوی، ۱۳۶۶، ۵۳) این کالاها پس از ورود به بلاد جزیره‌العرب، به اروپا صادر می‌شد.

همچنین از هند جواهرات نادر و سنگ‌های مروارید، یاقوت، مرجان، عقیق، الماس و ... به بلاد مصر و شام فرستاده می‌شد. (زیود، ۱۹۹۶م، ۱۳۳)

۳-۲. جزایر و بنادر ایرانی خلیج فارس

خلیج فارس واقع در بخش غربی آسیا و جنوب ایران، همیشه، حلقه اتصال تجاری میان بازرگانان شرق اقصی و غرب بود. در طی دو سده نخستین اسلامی که تجارت دریایی، مورد توجه قرار گرفت، بنادر خلیج فارس اهمیت فراوانی یافت و نقش بارزی را در گسترش روابط تجاری بغداد، با مناطقی همچون هند، چین و آفریقا ایفا کرد. اوج رونق تجاری بنادر خلیج فارس، مصادف با سده‌های سوم تا چهارم ق/نهم تا دهم م بود. (خیراندیش؛ خلیفه، ۱۳۸۶، ۷۵) در طی قرون پنجم و ششم ق/یازدهم و دوازدهم م، تجارت در این بنادر تا حدی رکود یافت و برای چند دهه به دریای سرخ انتقال پیدا کرد. (سوجک، ۱۳۷۷، ۲۶۶)

سیراف، کیش، هرمز، خارک و گناوه از مهمترین بنادر تجاری خلیج فارس بودند که از آن‌ها مروارید استخراج می‌شد و علاوه بر تجارت انواع کالا، تجارت مروارید و مرجان نیز داشتند. (اصطخری، ۲۰۰۴م، ۱۲۸) بنا به نوشته ادریسی در کتاب معروف نزهه المشتاق، یک پنجم مرواریدهای صید شده از جزایر خلیج فارس - احتمالاً به عنوان مالیات - به سلاطین این جزایر می‌رسید و بازرگانان سپس آن‌ها را به سرزمین‌هایی همانند هند (ادریسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۳۹۱) و چین صادر می‌کردند.

مقدار مروارید و مرجان‌هایی که از جزایر خلیج فارس به دست می‌آمد، چنان زیاد بود که عده‌ای از ساکنان این جزایر، به ساخت زیور آلات از این جواهرات، اشتغال داشتند. (الشامی، ۱۹۸۰، ۹۶)

سیراف از مهمترین بنادر خلیج فارس در قرن سوم تا چهارم ق/نهم تا دهم م، در تجارت به حدی سرآمد بود که دروازه چین و بارانداز تجاری فارس و خراسان محسوب می‌شد. این بندر، با مناطق داخلی ایران، یمن، حبشه (رائین، ۱۳۵۰، ۳۲۹)، بصره، عمان (سیرافی، ۱۳۳۵: ۳۳)، عدن، هند، چین (خلیفه، ۱۳۷۸، ۵) و سواحل شرقی آفریقا (کراچکوفسکی، ۱۳۷۹، ۴۲۲) روابط تجاری داشت. کلیه کالاهای تجاری کشورهای اسلامی که به چین و هند صادر می‌شد و همچنین کلیه کالاهای تجاری وارده از هند و چین در سیراف متمرکز می‌گردید. (سمسار، ۱۳۳۷، ۲۱۰)

در بندر سیراف مروارید صید می‌شد. علاوه بر خرید و فروش مرواریدهای سیراف در بازارهای داخلی این بندر، مرواریدها به سایر بلاد همچون فارس (اصطخری، ۲۰۰۴م، ۹۲) علی‌الخصوص شهر شیراز، چین و هند (موسوی، ۱۳۸۰، ۱۱۷) فرستاده می‌شد.

برای آنکه دریابیم که در تجارت مروارید چه سود سرشاری برای بازرگانان به ویژه تجار سیرافی وجود داشت، آگاهی بر بهای مروارید به روزگار آبادانی سیراف لازم است. ابوالقاسم

عبدالله کاشانی در کتاب عرایس الجواهر می‌نویسد: "آورده‌اند که در خزانه سلطان محمود سبکتکین، ... دُری بشکل فوفلی قاعده بوده است به غایت خوب و آبدار و باطراوت به وزن دو مثقال و چهار دانگ که آنرا یتیمه می‌گفتند و یتیمه لقب لؤلؤی باشد که آنرا مثل و مانند نبود در بزرگی و نیکوئی. جوهریان آنرا به سی هزار دینار ملکی که هفت هزار و پانصد دینار نیشابوری باشد، قیمت کرده‌اند." (کاشانی، ۱۳۴۵، ۱۲۴) بدیهی است که تجارت چنین کالای پربهایی می‌توانست سود و ثروت سرشاری برای بازرگانان سیرافی به همراه داشته باشد.

سیراف در سال ۹۷۶/۵۳۶۶م یا ۹۷۷/۵۳۶۷م دچار زلزله شدیدی شد. با مهاجرت ساکنانش، بتدریج اهمیت تجاری خود را از دست داد، اما صید و فروش مروارید همچنان در آن ادامه داشت. (خیراندیش؛ خلیفه، ۱۳۸۶، ۸۵)

جزیره کیش در طی سده ششم ق/دوازدهم م با حاکمیت ملوک بنی‌قیصر (حک حدود نیمه اول سده پنجم -۵۲۶ه)، به بندر اصلی خلیج فارس مبدل شد. (کاوتس، ۱۳۸۳، ۲) در جزیره کیش، صید مروارید وجود داشت (ابن خردادبه، ۱۹۹۲م، ۶۲) و مرواریدهای آن از مرغوب‌ترین انواع مروارید محسوب می‌شد. (ناصرخسرو، ۱۳۳۵، ۲۷۶) بازرگانان فارس، بحرین و قطیف برای خرید این مرواریدها به جزیره کیش می‌آمدند و این مرواریدها آنچنان با ارزش بود که بیشتر آن به وسیله بازرگانان نام برده، پیش‌خرید می‌شد. (چمنکار، ۱۳۹۱، ۴۹)

مروارید و اسب از جمله کالاهای مهم صادراتی کیش در تجارت خارجی محسوب می‌شد. (خلیفه، ۱۳۷۸، ۱۳) کیش لنگرگاه کشتی‌هایی بود که از هند، چین، آفریقا و بلاد جزیره‌العرب با هدف داد و ستد انواع کالا، به سوی جزایر خلیج فارس می‌آمدند. (چمنکار، ۱۳۹۱، ۴۹) از هند، جواهرات، مروارید به همراه دیگر کالاها به کیش حمل می‌شد و از آنجا به سایر مناطق ایران منتقل می‌گشت. (اشپولر، ۱۳۷۶، ۴۳۳) بازرگانان چینی نیز کالاهای تجملی گرانبها از جمله سنگ‌های قیمتی را از کیش به مناطق دور دست هند و شرق آسیا منتقل کرده، به فروش می‌رساندند. (چمنکار، ۱۳۹۱، ۵۴)

بندر هرمز، در قرن ششم ق/دوازدهم م و به ویژه در قرن هفتم ق/سیزدهم م یعنی در زمان حکومت ایلخانان، از بنادر تجاری مهم خلیج فارس محسوب می‌شد و روابط تجاری با بلاد مختلفی همچون هند، چین، شهرهای ایران و جزیره‌العرب داشت. (المسری، ۱۴۰۲ق، ۲۳۹) بازرگانان هرمز همچنین به عنوان واسطه، کالاهای بلاد دیگر به ویژه هند را به سرزمین‌های جزیره‌العرب و ایران منتقل می‌کردند. (چمنکار، ۱۳۸۴، ۹)

از بندر هرمز به میزان زیادی مروارید استخراج می‌شد و مروارید مهمترین کالای تجاری این منطقه را تشکیل می‌داد. مرواریدهای هرمز اغلب به تبریز (عون‌اللهی، ۱۳۸۷، ۸۲)، سلطانیه (آکا، ۱۳۹۰، ۲۶۲)، هند و چین (سلطانیان، ۱۳۸۸، ۶۱) صادر می‌شد.

در هرمز صنعت پرداخت و سوراخ کردن مروارید و دیگر جواهرات وجود داشت که علاوه بر اجرای آن بر روی جواهرات داخلی، جواهرات دیگر بلاد نیز، در آنجا پرداخت و سوراخ می‌گردید. چنانکه یاقوت‌های صادر شده از چین نیز در آنجا تراش می‌خورد و به سایر بلاد صادر می‌گشت. بازرگانان اعم از مسیحی و مسلمان همه بر این امر متفق بودند که تنها مردم چیره دست و ماهر هرمز می‌توانند از عهده پرداخت و سوراخ کردن جواهرات برآیند. (کلاویخو، ۱۳۸۴، ۱۶۹)

از جزیره خارک در خلیج فارس، مرواریدهایی مشهور به مروارید خارکی صید می‌شد که بسیار گران قیمت بود و به بیشتر کشورها صادر می‌گشت. (حدود العالم من المشرق الی...، ۱۴۲۳ق، ۳۶) همچنین گفته شده که مروارید گران قیمت موسوم به دُر یتیم - که مورد درخواست خلفا بود - نیز از خارک استخراج می‌شد. (حافظ ابرو، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۳۹)

از دیگر جزایر خلیج فارس که در صید و تجارت مروارید فعالیت داشت، جزیره قشم، جزیره لار (یاقوت حموی، ۱۸۸۵م، ج ۵: ۷) و جزیره گناوه بود. از جزیره گناوه مرواریدهایی موسوم به خراقی بدست می‌آمد که شهرت فراوانی داشت. (سیرافی، ۱۳۳۵: ۱۴)

۲-۴. آذربایجان و جبال و عراق

پس از ویرانی بغداد در سال ۱۲۵۸/۵۶۵۶م به‌دست هلاکوخان مغول (م ۱۲۶۵/۵۶۶۳م)، تبریز از مهمترین شهرهای ایالت آذربایجان، که از ابتدا شهری تجاری محسوب می‌گردید، به عنوان پایتخت دولت ایلخانان (۶۵۴-۱۲۵۶/۵۷۵۰-۱۳۳۵م) برگزیده شد. این شهر به سبب آنکه بر سر راه تجاری ابریشم واقع بود، جای بغداد را به عنوان مرکز تجارت بین‌المللی گرفت. (عون‌اللّهی، ۱۳۸۷، ۶۵-۶۶)

در زمان حکومت ایلخانان، بازرگانان از بلاد مختلفی همچون هند، چین، جنوا، شهرهای ایران، بنادر خلیج فارس، بغداد، موصل و... برای داد و ستد انواع کالا و انجام معامله‌های کلان سنگ‌های قیمتی، به تبریز می‌آمدند. (پولو، ۱۳۶۳، ۴۱) سنگ مروارید به ویژه از هند وارد تبریز می‌گشت. (عون‌اللّهی، ۱۳۸۷، ۷۲؛ ۱۷۴) در زمان حکومت تیموریان (قرن نهم هجری)، مروارید از چین و از جزیره هرمز به تبریز وارد می‌گشت. این مرواریدها پس از ورود به تبریز، در تزئین گوشواره و انگشتر به کار می‌رفت و به بازرگانان سرزمین‌های مسیحی‌نشین و بازرگانان کشورهای مسلمان فروخته می‌شد. (باربارو، ۱۳۴۹، ۴۱۳؛ آکا، ۱۳۹۰، ۲۶۲)

شهر سلطانیه به عنوان نمادی از دولت ایلخانان، در زمان حکومت محمد خداپسند (حک ۷۰۳-۵۷۱۶/۱۳۰۴-۱۳۱۶م) ساخته شد. موقعیت مواصلاتی این شهر به سبب وقوع بر سر راه عراق عجم، بازرگانی از شهرهای داخلی ایران، بغداد، شام (کلاویخو، ۱۳۸۴، ۱۷۰)، هند، چین و اروپا را به خود جذب می‌کرد. این بازرگانان همه ساله به ویژه در فصل تابستان با کالاهای فراوان به این شهر وارد می‌شدند و به خزانه دولت سود فراوانی می‌رساندند. (کلاویخو، ۱۳۸۴، ۱۶۷)

مروارید و سنگ‌های قیمتی بیشتر از جزایر خلیج فارس به ویژه جزیره هرمز، به شهر سلطانیه صادر می‌گشت و پس از ورود به آنجا، در تزئینات جواهرات به کار گرفته می‌شد و بار دیگر مورد معامله بازرگانان داخلی و خارجی قرار می‌گرفت. (آکا، ۱۳۹۰، ۲۶۲)

انواع سنگ‌ها از سرزمین‌های مختلف، به ویژه در زمان خلافت عباسیان در بغداد، وارد عراق می‌شد. به نظر می‌رسد این امر به علت میل خلفای عباسی به خودنمایی و استفاده از زیورآلات باشد. به دنبال این امر بود که از مناطقی همانند بحرین، مروارید وارد عراق می‌شد. (المسری، ۱۴۰۲ق، ۳۹۰) خرید و فروش مروارید و جواهرات کمیاب در بازارهای شهرهای عراق همچون بصره، رایج بود. (حبیبی، ۱۳۴۵، ۴۶)

۲-۵. مناطق جزیره العرب

جزیره العرب واقع در منتهی‌الیه جنوب غربی آسیا، از غرب به خلیج عقبه و دریای سرخ، از شرق به خلیج عمان و خلیج فارس و عراق، از جنوب به خلیج عدن و دریای عمان و از جانب شمال به بیابانی که از یک طرف به سوریه و فلسطین و از طرف دیگر به دره فرات اتصال می‌یابد، محدود می‌شود. از جمله مهمترین شهرهای جزیره العرب که در زمینه استخراج و تجارت مروارید فعالیت داشتند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

یمن در جنوب جزیره العرب، به دلیل واقع بودن در مسیر راه‌های بازرگانی شرق و غرب، منطقه‌ای تجاری محسوب می‌شد. در یمن سنگ‌های تجاری مختلفی از جمله مروارید وجود داشت که به صورت داخلی و خارجی خرید و فروش می‌شد. چنانکه بازار صنعاء در یمن مشهور به داشتن کالاهایی چون مروارید، چرم، آهن و سرمه بود. (پروشانی، ۱۳۷۵، ۳۵۳) از یمن مروارید به هندوستان صادر می‌گردید و در عوض مشک، عنبر و ادویه‌های هندی وارد می‌شد. همچنین یمن به عنوان واسطه، علاوه بر مرواریدهای خود، مرواریدهای جزایر خلیج فارس را به عراق، مصر، شام و هند صادر می‌کرد. (بحرانی‌پور؛ زارعی، ۱۳۸۷، ۲۹) والیان یمن نیز، قسمتی از خراج خود را از صیادان مروارید تأمین می‌کردند، مانند ابوالجیش اسحاق بن ابراهیم که در سال ۳۷۱ق قسمتی از مبلغ گزاف خراج خود را، از این راه بدست آورد. (ابن خلدون، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ۲۷۲)

بندر عدن واقع در سواحل جنوبی جزیره العرب و جنوب یمن، در سده‌های میانه به مهمترین بندر انتقالات دریایی برای تجارت کالاهای شرق مبدل شده بود. (سوجک، ۱۳۷۷، ۲۶۵) این بندر از مکان‌های عمده صید مروارید و تجارت آن نیز به شمار می‌آمد. (حدود العالم من المشرق الی...، ۱۴۲۳ق، ۱۷۲) مرواریدهای عدن علاوه بر فروش در بازارهای داخلی، توسط بازرگانانی از هند، سند، چین (ادریسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۵۴)، عراق، فارس، بلاد زنج و حبشه خرید می‌شد. (المسری، ۱۴۰۲ق، ۲۹۲)

کالاهای فراوانی از جمله انواع سنگ‌های قیمتی مانند مروارید، همچنین کالاهای مزین به

سنگ‌های قیمتی همچون تیغه‌های شمشیر جواهر نشان صادره از هند، سند و چین به این بندر وارد می‌گردید. این سنگ‌های قیمتی وارد شده به عدن، به تاجران خارجی فروخته می‌شد. به عنوان مثال، تاجری به نام ماهوان به همراه هیاتی از چین در قرن نهم ق/پانزدهم م در بندر عدن حضور داشتند، از آنجا سنگ‌هایی همچون چشم گربه، یاقوت، مرواریدهای بزرگ، مرجان و دیگر جواهرات کمیاب را خریداری کرده بودند. (میلز، ۱۳۹۳، ۲۵۴)

در فراوانی مروارید و سنگ‌های قیمتی در عدن همین بس که، در قرن نهم هجری ماهوان ناظر چینی، لباس‌های زنان طبقه عادی این منطقه را مزین به مروارید و سنگ‌های گرانبها توصیف کرده است. وی همچنین گزارش کرده که پادشاه عدن به عنوان قدردانی و خراج، یک کلاه از طلا که مزین به مروارید بود، انواع سنگ‌های قیمتی و دو شاخ از حیوانات محلی را به پادشاه چین تقدیم کرد (همو، ۲۶۴: ۲۵۰) که نشانگر تداوم و رونق تجارت سنگ‌ها در عدن است.

عمان در جنوب شرقی جزیره‌العرب، به علت قرار داشتن در دهانه اقیانوس هند و مشرف بودن به مراکز تجاری خلیج فارس، بنادر جزیره‌العرب، بنادر هند و داشتن نقش بندرگاه چین، از نظر بازرگانی و سوق الجیشی جایگاه ممتازی داشت. بازرگانانی از بلاد چین، هند، سند، بلاد زنج و یمن در آنجا فعالیت تجاری داشتند. (رائین، ۱۳۵۰، ۳۲۹) همچنین دو شهر صحار و صور واقع در عمان، بازارهای محلی و بندرگاه کشتی‌رانی به سوی هند، یمن، زنگبار و سواحل خلیج فارس به شمار می‌آمد. (قره‌چانلو، ۲۲۷/۱)

سرزمین عمان و دو منطقه آن یعنی رأس المحجمه و ثوأم (یاقوت حموی، ۱۸۸۵م، ج ۲: ۵۵) به صید و خرید و فروش مروارید شهرت داشت. استخراج مروارید در عمان از دهه سوم ماه فروردین آغاز می‌گردید و تا آخر فصل تابستان ادامه می‌یافت. (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۱۶۸) مروارید مشهور عمانی از بهترین و مرغوبترین انواع مروارید به شمار می‌آمد و به نسبت دیگر مرواریدها ارزش مالی بیشتری به ویژه نزد خلفای عباسی داشت. (قلقشندی، ۱۳۳۱ق، ج ۴: ۴۰۸) از عمان مروارید به هندوستان، چین (بحرانی پور؛ زارعی، ۱۳۸۷، ۲۹)، مصر، شام (زیود، ۱۹۹۶م، ۱۳۲)، بلاد زنج و عراق (المسری، ۱۴۰۲ق، ۳۷۷-۳۷۹) صادر می‌گردید.

بحرین در جنوب خلیج فارس و شرق جزیره‌العرب و در میان بصره و عمان قرار داشت. این سرزمین از مجموعه‌ای از جزایر، شهرها و مناطق بیابانی تشکیل می‌شد. (خلیفه، ۱۳۹۰، ۳۱) بحرین و جزایر آن به نام‌های جزیره اُوال، قَطِیف، مُحَرَّق، سِتره، ام نَعسان (قره‌چانلو، ۲۳۷/۱) از مراکز مهم صید و تجارت مروارید بود و مرواریدهای این نواحی از جمله مرواریدهای مرغوب محسوب می‌شد. (ابن محمد ابراهیم، ۱۳۵۶، ۱۶۷) مروارید و مرجان‌های بحرین، علاوه بر فروش در بازارهای داخلی این ناحیه، مورد توجه بازرگانان هند، چین، عراق، مصر، شام و روم (المسری، ۱۴۰۲ق، ۲۹۱) بود.

عملیات صید و تجارت مروارید در بحرین، علاوه بر درآمدزایی برای ساکنان آن، از مسائل مهم مورد توجه برای دولت‌های اسلامی همچون خلافت عباسی، آل بویه، سلاجقه و ملوک بنی قیصر کیش بود. در دولت عباسی، سه ناحیه عمان، بحرین و یمامه تحت حاکمیت حاکمی مستقل که منتخب خلفا بود، اداره می‌شد. (خلیفه، ۱۳۹۰، ۳۴) خلفای عباسی همچون هارون الرشید به امر تجارت و صید مروارید و انتخاب درست والیان برای بحرین و بنادر خلیج فارس توجه فراوان داشتند. والی‌های منتخب در این بنادر به مراحل و نحوه فروش مرواریدها توسط تجار خارجی و داخلی نظارت می‌کردند. بدیهی بود که این والیان میزانی از درآمد حاصله از صیادان و تاجران مروارید را برای خود می‌گرفتند. (ناصرخسرو، ۱۳۳۵، ۱۵۱) این والیان معمولاً نفیس‌ترین مرواریدها را برای خلفا می‌فرستادند. در اوج رونق جزایر خلیج فارس در قرن چهارم هجری، و سلطه حکومت آل بویه بر جزایر جنوبی همچون بحرین و عمان، درآمد سالانه این بنادر در زمان عضدالدوله (حک ۳۳۹-۳۷۲ق/ ۹۵۱-۹۵۳م) مبلغی بیش از سه میلیون و سیصد و چهل و شش هزار دینار بود که این امر، نشان از تجارت فراوان انواع کالا به خصوص تجارت مروارید دارد. مقارن ضعف آل بویه و روی کار آمدن دولت سلاجقه در ایران، در زمان سلاجقه کرمان، بحرین تحت فرمان حکام عیونی (۴۶۹-۵۶۳ق/ ۱۰۷۶-۱۲۳۸م) درآمد. (خلیفه، ۱۳۹۰، ۳۴-۳۵)

ملوک بنی قیصر سرانجام پس از رشته‌ای حملات، دولت عیونی را تابع خود کردند و بر تجارت مروارید در بحرین نظارت یافتند تا آنجا که بابت تجارت مروارید، از حکام عیونی مالیات معینی دریافت می‌کردند. (ادریسی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۹۰)

۳- بازارها و اماکن فروش مروارید

بازارها در زمان پیش از اسلام و در دوران اسلامی از مراکز مهم دادوستد انواع کالا به شمار می‌رفت. این مراکز به صورت ثابت و ادواری در شهرها و روستاها تشکیل می‌شد. یکی از انواع بازارها که خرید و فروش مروارید در آن انجام می‌گرفت، بازارهای ثابت بود که شامل انواع اصناف می‌شد. در این زمینه می‌توان بازار ثابت شیراز را مثال زد که علاوه بر معامله انواع کالا به خصوص در زمینه فروش جواهرات و گوهرهایی چون مروارید و صنایع مربوط به آن و ساخت زیورات فعالیت داشت. (بحرانی پور، ۱۳۸۹، ۲۳) مرواریدها در آنجا تراشیده و سوراخ می‌شد و غالباً در ساخت گوشواره و گردنبند به کار می‌رفت. بیشتر این مرواریدها توسط شاهزادگان و قشر مرفه جامعه خریداری می‌شد؛ چراکه بسیار گران بود. به عنوان مثال در ابتدای حکومت ایلخانان (حک ۶۵۴-۷۵۰ق/ ۱۲۵۶-۱۳۳۵م) گردنبند مروارید به مثقالی پنج دینار زر فروخته می‌شد. (همو، ۶-۷)

بازارهای مختص فروش جواهرات و گوهرها، از دیگر اماکن فروش انواع مروارید به شمار می‌آمد که در این زمینه می‌توان به بازار مخصوص فروش مروارید در اطراف عمارت قیساریه

قاهره (مقریزی، ۱۴۱۸ق، ج ۳: ۱۷۶)، بازار مختص به فروش مروارید در دمشق (زبود، ۱۴۱۵ق، ۲۴۱) و بازار جواهرفروشان بغداد (سمعی، ۱۳۸۲ق، ج ۱۳: ۵۲۵) اشاره کرد. در این گونه بازارها فروشندگان علاوه بر خرید و فروش گوهرها، از طریق کرایه دادن آن‌ها نیز درآمد کسب می‌کردند. (واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۶۷۲)

بازارهای موسمی و سالیانه از دیگر بازارهایی بود که فروش سنگ‌های گرانبها همانند مروارید در آن‌ها رواج داشت. همانند بازار مینی که مقارن ایام حج در مکه تشکیل می‌شد و کالاهای فراوانی از جمله انواع گوهرهای گرانبها و کمتر گرانبها همانند فیروزه‌هایی که از خراسان وارد مکه می‌شد، مروارید، یاقوت، خرمهره و ... در آن به فروش می‌رسید. (پروشانی، ۱۳۷۵، ۳۸۳)

کاروانسراها (عون‌اللهی، ۱۳۸۷، ۱۸۳) و کاخ خلافت یا دارالاماره‌های خلفا و امیران محلی، از دیگر اماکن خرید و فروش مروارید بود و گاه این گوهر به همراه دیگر جواهرات توسط جواهرفروشان و زرگران سیار به فروش می‌رسید. (زیدان، ۱۳۸۲، ۹۰۴)

۴. کاربردها و انگیزه‌های خرید و فروش مروارید

مروارید همانند دیگر گوهرها، کاربردهای مختلفی داشت. میل فطری انسان به زیبایی و آراستن خود و محیط پیرامونش، سبب شده بود تا او در طول تاریخ از سنگ‌ها در ساخت زیورآلات، وسایل تزئینی داخل خانه‌ها و تزئینات معماری استفاده کند. سنگ مروارید به علت داشتن ویژگی‌هایی همانند استحکام، مرغوبیت، تنوع در رنگ، درخشش و زیبایی، همواره سهم عمده‌ای از زینت و زیورآلات زنان و مردان به ویژه افراد ثروتمند را به خود اختصاص داده است. مروارید علاوه بر استفاده در زیورآلات، در تزئین لباس، کفش، وسایل داخل کاخ‌ها، ظروف آشپزخانه، نمادهای خلافت، آلات جنگی، مواکب و ... استفاده می‌شد.

یکی دیگر از علل مهم خرید سنگ‌های گرانبها، باور مردم به قدرت جادویی این سنگ‌ها به عنوان ابزاری برای طلسم، سحر، جادو و منبعی برای بهره‌مندی از نیروهای ماورایی بود و از آن‌ها برای رسیدن به خوشبختی، رفاه، عزت، ثروت، پیش‌گیری از بیماری‌ها، خنثی کردن چشم‌زخم، دور کردن شیاطین و ... استفاده می‌شد. در ارتباط با مروارید نیز بنا بر برخی عقاید، این گوهر سبب رفع اندوه و افسردگی از فرد می‌گردید. (زاوش، ۱۳۴۸، ج ۱: ۱۶۶)

کاربرد دیگر سنگ‌های قیمتی در گذشته، استفاده از آنها به عنوان داروهای شفابخش در درمان بسیاری از بیماری‌ها بود که گاه به صورت مجزا و گاه در ترکیب دیگر داروها مورد استفاده قرار می‌گرفت. بیماران، سنگ تجویز شده از سوی پزشک را برای شفابخشی با خود حمل می‌کردند و گاه آن را به صورت مستقیم در موضع درد قرار می‌دادند و با از سنگ‌ها در داروهای ترکیبی به شکل ساییده، قرص، شیفاف، مرهم و شربت ... بهره می‌بردند. سنگ مروارید نیز کاربردهای درمانی فراوانی داشت و از آن در بند آوردن خونریزی زخم‌های روی پوست (هروی،

بی‌تا، ۱۸۱)، روشنایی چشم و قوت دید (اخوینی، بی‌تا، ۱۳۸)، پاکیزگی و جلا بخشیدن به دندان‌ها (غسانی ترکمانی، ۱۴۲۱ق، ۳۳۶)، درمان ورم گلو و ورم لوزه‌ها، درمان گرفتگی قلب (اخوان‌الصفا، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۱۱۸)، تقویت ماهیچه‌های قلب (اخوینی، بی‌تا، ۱۷۶)، درمان درد و ورم‌های معده (رازی، ۱۳۸۸، ۷۶)، درمان خونریزی داخلی در شکم (همو، ۸۶)، درمان استفراغ (همو، ۶۷)، رفع اسهال خونی (جرجانی، ۱۳۸۱، ۱۰۴) و درمان زخم‌های مثانه (ابن‌سینا، ۱۴۰۲ق، ج ۲: ۷۰۳) استفاده می‌شد.

نتیجه گیری

در تاریخ تجارت مسلمانان، سنگ‌ها یکی از کالاهای تجاری نسبتاً با اهمیت به شمار می‌رفتند. از میان انواع مختلف سنگ‌های گرانبها، مروارید به سبب ویژگی‌هایی همچون زیبایی، کمیابی، وجود باورهای عامیانه در ارتباط با قدرت ماورایی آن در سطح جامعه، خرید و فروش فراوانی داشت و تجارت آن همواره پر رونق بود. اگرچه بیشترین عاملی که افراد را ترغیب به خریداری مروارید می‌نمود، استفاده از آن در تزئینات بود.

سلیقه اقشار مختلف جامعه در خرید سنگ‌های قیمتی یکسان نبود. سنگ‌های مورد علاقه و درخواست طبقه حاکم بر جامعه و قشر مرفه را اغلب سنگ‌های بسیار گران و کمیاب همانند یاقوت، زمرد، الماس و مرواریدهای درشت تشکیل می‌داد. طبقه عادی جامعه نیز بر حسب درآمد خود از دیگر سنگ‌های گرانبها و کمتر گرانبها استفاده می‌کردند.

اغلب مرواریدها علاوه بر فروش در محل استخراج، از بلاد شرق دور به ویژه هند، چین و همچنین از مغرب هم از طریق مسیرهای خشکی و هم از طریق مسیرهای آبی وارد می‌شد. اگرچه استفاده از مسیرهای آبی برای حمل مروارید رونق بیشتری داشت.

بنادر خلیج فارس و جزیره‌العرب از مهمترین مکان‌های صید و فروش مروارید بود که بیشترین رونق تجارت این کالا را در سده‌های سوم تا چهارم هجری به خود اختصاص داده بودند. علاوه بر صدور مروارید، بازرگانان این بنادر به عنوان واسطه نقش فراوانی در صدور انواع سنگ به سایر سرزمین‌های اسلامی داشتند.

به نظر می‌رسد که در تجارت مروارید، سهم بازرگانان مسلمانان به ویژه بازرگانان ایرانی و عربی بیشتر بوده است. اگرچه بازرگانان هندی و پس از آن چینی که سنگ‌ها یکی از مهمترین پرفروش‌ترین محصولات تجاری کشورشان محسوب می‌شد، در امر خرید و فروش سنگ در میان بلاد اسلامی سهم به‌سزایی داشتند.

منابع و مآخذ

- اکا، اسماعیل (۱۳۹۰). *تیموریان*، ترجمه اکبر صبوری، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابن خردادبه، عبیدالله بن عبدالله (۱۹۹۲م). *المسالک و الممالک*، بیروت-لبنان، دارالصادر (افست لندن).
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۰۸ق). *العبر*، تحقیق خلیل شحاده، بیروت، دارالفکر.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۲۰ق). *القانون فی الطب*، بیروت-لبنان، دارالکتب العلمیه.
- ابن محمد ابراهیم، محمدربیع (۱۳۵۶). *سفینه سلیمانی*، تصحیح و تحشیه و تعلیقات عباس فاروقی، تهران، دانشگاه تهران.
- احمدوند، فاطمه؛ حسین قرچانلو (۱۳۸۸). "بررسی جاده ابریشم از بغداد تا چین، مطالعه موردی: راه جونغاریه"، *مطالعات تاریخ اسلام*، زمستان ش ۳، صص ۲۴-۵.
- اخوان الصفاء (۱۴۰۵ق). *رسائل اخوان الصفاء و خُلاَّن الوفاء*، قم، مرکز النشر-مکتب الاعلام الاسلامی.
- اخوینی بخاری، ربیع بن احمد (بی تا). *هدایة المتعلمین فی الطب*، تصحیح جلال متینی، تهران، دانشکده علوم پزشکی شهید بهشتی.
- ادریسی، ابوعبدالله محمد بن محمد (۱۴۰۹ق). *نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق*، بیروت، عالم الکتب.
- اشپولر، برتولد (۱۳۷۶). *تاریخ مغول در ایران*، ترجمه محمود میر آفتاب، تهران، علمی فرهنگی.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم بن محمد (۲۰۰۴م). *المسالک و الممالک*، تصحیح محمد جابر عبدالعادل حینی، قاهره، دارالصادر (افست لندن).
- باسورث، کلیفورد ادموند (۱۳۸۵). *تاریخ غزنویان*، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر.
- باربارو، جوزفا و دیگران، (۱۳۴۹). *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران، خوارزمی.
- بحرانی‌پور، علی (۱۳۸۹). "اصناف و صنایع در بازار شیراز در سده‌های هفتم و هشتم قمری"، *تاریخ ایران*، ش ۶۲، صص ۱-۲۶.

بحرانی‌پور، علی، سیده زهرا زارعی (۱۳۸۷). "افول تجاری بندر سیراف و پیامدهای مهاجرت بازرگانان سیرافی"، *تاریخ روابط خارجی*، ش ۳۶، صص ۴۸-۲۰.

بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد (۱۳۷۴). *الجواهر فی الجواهر*، تحقیق یوسف-الهادی، تهران، علمی و فرهنگی، .

پروشانی، ایرج (۱۳۷۵). "بازار: بازارهای شهری قبل از اسلام و در دوره اسلامی"، *دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر سید مصطفی میرسلیم، تهران، بنیاد دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱.

پولو، مارکو (۱۳۶۳). *سفرنامه*، ترجمه منصور سجادی و آنجلای جوانی رومانو، تهران، گویش.

تاپار، رومیلا (۱۳۸۶). *تاریخ هند*، قم، ادیان، .

تاج‌بخش، احمد (۱۳۸۱). *تاریخ تمدن و فرهنگ ایران از اسلام تا صفویه*، شیراز، نوید.

جرجانی، اسماعیل بن حسن (۱۳۸۱). *یادگار در دانش پزشکی و داروسازی*، تصحیح مهدی محقق، تهران، دانشگاه تهران.

جعفری، شیوا، "جاده بخور" (۱۳۸۸). *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۷.

چمنکار، محمدجعفر (۱۳۸۴). "عوامل اثر گذار بر بازرگانی خلیج فارس در عصر مغول (حاکمیت اقتصادی - سیاسی ایران بر خلیج فارس و دریای عمان)"، *تاریخ روابط خارجی*، ش ۲۴ و ۲۵، صص ۲۸-۱.

چمنکار، محمدجعفر (۱۳۹۱). "جایگاه جزیره کیش در تجارت دریایی عصر ملوک محلی بنی قیصر"، *پژوهش‌نامه تاریخ‌های محلی ایران* ش ۱، صص ۴۵-۶۵.

حبیبی، عبدالحی (۱۳۴۵). *تاریخ افغانستان بعد از اسلام*، کابل، انجمن تاریخ افغانستان.

حدود العالم من المشرق الى المغرب (۱۴۲۳ق). قاهره، دار الثقافة للنشر.

حافظ ابرو، شهاب الدین عبدالله خوافی (۱۳۷۵). *جغرافیا*، تصحیح محمد صادق سجادی و علی خالی آل داود، تهران، میراث مکتوب.

خطایی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۲). *خطای نامه: شرح مشاهدات سیدعلی اکبر خطایی در سرزمین چین*، به کوشش ایرج افشار، تهران، مرکز اسناد فرهنگی آسیا.

خلیفه، مجتبی (۱۳۷۸). "تجارت دریایی خلیج فارس - چین در سده‌های میانه به

- روایت ناظر چینی، "تاریخ روابط خارجی، ش ۳۶، صص ۱۹-۱. ----- (۱۳۹۰). "مناسبات ملوک بنی قیصر کیش و حکام عیونی بحرین"، **مطالعات تاریخ اسلام**، ش ۱۱، صص ۲۹-۴۴.
- خیراندیش، عبدالرسول؛ مجتبی، خلیفه (۱۳۸۶). "تجارت دریایی ایران در دوره سلجوقی-سده‌های ۵ و ۶ هجری (با تاکید بر نقش بندر تیز)"، **دانشگاه الزهراء (س)**، ش ۶۵، صص ۷۱-۲.
- دکاء، یحیی (۱۳۴۶). **گوهرها**، تهران، کتابخانه ابن سینا.
- رازی، محمد بن زکریا (۱۳۸۸). **خواص الاشیاء**، تصحیح و تحقیق یوسف بیگ باباپور و کاوه عباسی، قم، مجمع الذخائر الاسلامیه.
- رائین، اسماعیل (۱۳۵۰). **دریانوردی ایرانیان**، تهران، سکه.
- رضا، عنایت‌الله (۱۳۸۸ش). "جاده ابریشم"، **دایرة المعارف بزرگ اسلامی**، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۷.
- زاوش، محمد (۱۳۴۸). **کانی‌شناسی در ایران قدیم**، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- زبود، محمد (۱۴۱۵ق). "اهمیه دمشق و مرکزها الاقتصادی حتى نهاية القرن السادس الهجری"، **المجمع اللغة العربیة بدمشق**، ش ۲، المجلد السبعون، صص ۲۵۵-۲۲۴.
- زیدان، جرجی (۱۳۸۲). **تاریخ تمدن اسلام**، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر.
- زیود، محمود (۱۹۹۶م). "التجارة بین المصر والشام فی العصر الفاطمی"، **دراسات تاریخیة**، ش ۵۸ و ۵۷، ۱۵۸-۱۰۹.
- سلطانیان، ابوطالب (۱۳۸۸). "روابط بازرگانی ایران و هند در دوره صفویه"، **تاریخ روابط خارجی**، ش ۴۰، صص ۷۸-۵۵.
- سمسار، محمدحسن (۱۳۳۷). **جغرافیای تاریخی سیراف**، تهران، زیبا.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد بن منصور (۱۳۸۲ق). **الانساب**، تحقیق عبدالرحمن بن یحیی المعلمی، حیدرآباد، مجلس دایرة المعارف العثمانیه.
- سوجک، س (۱۳۷۷). "بندر"، **دانشنامه جهان اسلام**، تهران، بنیاد دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴.
- سیرافی، سلیمان تاجر (۱۳۸۱). **سلسله‌التواریخ یا اخبارالصین والهند**، ترجمه حسین قرچانلو، تهران، اساطیر.
- سیرافی، سلیمان تاجر (۱۳۳۵). **شگفتی‌های جهان باستان**، ترجمه

- محمد محمدی لوی عباسی، تهران، گوتمبرگ.
- الشامی، احمد (۱۹۸۰). العلاقات التجارية بين دول الخليج و بلدان الشرق الاقصى و اثر ذلك فى بعض الجوانب الحضارية فى العصور الوسطى، المورخ العربى، شماره ۱۲، صص ۸۷-۱۳۴.
- طوسى، خواجه نصیرالدین (۱۳۶۳ق). *تنسوخ نامه ایلخانی*، مقدمه مدرس رضوى، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- عون اللهی، سیدآغا (۱۳۸۷). *تاریخ پانصد ساله تبریز از آغاز دوره مغولان تا پایان دوره صفویان*، ترجمه پرویز زارع شاهمرسی، تهران، امیرکبیر.
- غسانی ترکمانی، ملک مظفر (۱۴۲۱ق). *المعتمد فى الأدوية المفردة*، تصحیح محمود عمر الدمیاطی، بیروت-لبنان، دارالکتب العلمیة.
- قرچانلو، حسین (۱۳۸۲). *جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی*، تهران، سمت.
- قلقشندی، احمد بن علی (۱۳۳۱ق). *صبح الاعشى فى صناعة الإنشاء*، قاهره، مطبعة الامیریة.
- کاشانی، عبدالله بن علی (۱۳۴۵). *عرایس الجواهر و نفایس الاطایب*، تصحیح ایرج افشار، تهران، انجمن آثار ملی.
- کاوتس، رالف؛ رودریش پتاک (۱۳۸۳). *هرمز در منابع دوره های یوآن و مینگ*، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ (۱۳۷۹). *تاریخ نوشته های جغرافیایی در جهان اسلامی*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی.
- کلاویخو، روی گونسالس (۱۳۸۴). *سفرنامه*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، علمی و فرهنگی.
- گابریل، آلفونس (۱۳۴۸). *تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران*، ترجمه فتحعلی خواجه نوری، تصحیح هومان خواجه نوری، تهران، ابن سینا.
- متز، آدام (۱۳۸۸). *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*، ترجمه علیرضا دکاوتی قرآزلو، تهران، امیرکبیر.
- المسری، حسین علی (۱۴۰۲ق). *تجارة العراق فى العصر العباسی*، کویت، جامعة الكويت.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۹ق). *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق اسعد داغر، قم، دارالهجرة.
- مقریزی، تقی الدین ابو العباس (۱۴۱۸ق). *المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و*

الآثار، بیروت، دارالکتب العلمیة.

موسوی، سیدحسن (۱۳۸۰). "تجارت جهانی بندر سیراف"، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۴۶ و ۴۷، صص ۱۱۹-۱۱۶.

میلز، جی. وی. جی (۱۳۹۳). سفرنامه ماهوان: شگفتی‌های راه/بریشم/از چین تا ایران از روی نسخه فنگ چئنگ چون، ترجمه سعید کریم‌پور، تهران، ققنوس. مهلبی، حسن بن احمد (۲۰۰۶م). الغزیری أو المسالک و الممالک، تحقیق تیسیر خلف، دمشق، التکوین.

ناصر خسرو (۱۳۳۵). سفرنامه، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، زوار، ندوی، سید سلیمان (۱۳۶۶). "روابط بازرگانی هند و عرب"، ادیان و عرفان، ش ۴، صص ۷۰-۴۰.

واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق). المغازی، تحقیق مارسدن جونز، بیروت، مؤسسة الاعلمی.

هروی، موفق الدین بن علی (بی‌تا). الابنية عن حقایق الادوية، تهران، دانشگاه تهران.

یاقوت حموی، شهاب الدین ابو عبدالله (۱۸۸۵م). معجم البلدان، بیروت، دار صادر.